

فیلم‌نامه‌نویسی متفاوت

گستاخ موفق از قواعد

کن دنسیگر و جف راش

ترجمه محمد شهبا



انتشارات هرمس

یادداشت‌ترجم

فصل ۱۴: شخصیت‌های اصلی و فرعی	۱۷۵
فصل ۱۵: زیرمتن، کنش، و شخصیت	۱۸۵
فصل ۱۶: برتری شخصیت بر کنش؛ فیلم‌نامه غیرامریکایی	۱۹۷
فصل ۱۷: ظرافت‌ها و دلالت‌های قالب فیلم‌نامه	۲۱۱
فصل ۱۸: پویانی و دیگری	۲۲۷
فصل ۱۹: شخصیت، تاریخ، و سیاست	۲۴۳
فصل ۲۰: لحن؛ ناگزیری کنایه	۲۶۳
فصل ۲۱: دیدگاه دراماتیک / دیدگاه روایتی	۲۸۳
فصل ۲۲: فیلم‌های بلند دیجیتال	۲۹۱
فصل ۲۳: نگارش دیدگاه روایتی	۳۰۷
فصل ۲۴: بازنویسی	۳۱۵
فصل ۲۵: اقتباس از ادبیات معاصر	۳۲۳
فصل ۲۶: فیلم‌نامه‌نویس شخصی؛ حاشیه	۳۳۵
فصل ۲۷: فیلم‌نامه‌نویس شخصی؛ فراتر از حاشیه	۳۴۹
واژهنامه	۳۵۹
پایان‌نامه کارگردان و سال تولید را افزوده‌اند. در حقن اصلی، گاهی به جای نام کارگردان نام فیلم‌نامه‌نویس آمده است. از اینجا که این کتاب در سازه فیلم‌نامه‌نویسی است، این نکته پذیرفتش می‌شاید. دشواری برگردان نام قلم‌ها از مکملات همچنین ترجمه کتاب‌های سینمایی است. زیرا اسامی فرانسه و انگلیسی فیلم‌ها گاه، متفاوت است و گاه یک فیلم چند نام دارد. مانند <i>Brooks Noss</i> این خودمان باشد؛ دایان کوریون (۱۹۹۷) که عنوان انگلیسی آن <i>One Night at a Time</i> است و عنوان فرانزه دیگری هم دارد: <i>Coup de Poudre</i> . در ترجمه‌این کتاب، تلاش بر این	۳۶۱

یادداشت مترجم	مقدمه
نامه	نامه
فصل ۱: فراتر از قواعد	۱
فصل ۲: ساختار	۱۳
فصل ۳: نقد قالب سه‌پرده‌ای احیاگر	۲۵
فصل ۴: ضدساختار	۳۳
فصل ۵: تأمل بیشتر درباره ساختار سه‌پرده‌ای؛ چند سال بعد	۴۳
فصل ۶: روایت و ضدروایت؛ مقایسه دو استیون (آثار استیون اسپلیبرگ و استیون سودربرگ)	۵۳
فصل ۷: کاربرد گونه	۶۹
فصل ۸: کاربرد گونه ۲: ملودرام و فیلم مهوج	۸۷
فصل ۹: نگارش برخلاف گونه	۱۰۷
فصل ۱۰: گونه‌های دیدگاه محور	۱۲۷
فصل ۱۱: فیلم غیرخطی	۱۳۹
فصل ۱۲: بازنگری در تقسیم‌بندی شخصیت فعال / منفعل	۱۴۹
فصل ۱۳: گسترش مرزهای همدادی پنداری با شخصیت	۱۶۱

می کند. شخصیت اصل سیره امدادگار رح جوانی که این مردم به او
دل می بازد موغلای است و تعجب ندارد که این زن بخوبی سخن
۱) را لعنه می نماید و عارض منسخه را بخوبی رعیت نماید لفظی هر لغتش بین
که هر لغته کنیتی نماید. تسامیون شنیده لا تسمیه را لشان
۲) فیض نمایند و مدد
۳) همچومن ای شنیده هر لغتی را بخوبی بخوبی بخوبی
۴) دل خواهیم شد این شخصیت هر لغتی را بخوبی بخوبی
۵) تواعد

فصل ۱

فراز قواعد

صنعتگری راضیاند، ولی بسیاری خیر. ما هم عقیده نداریم که فیلمتایه نویس باید صنعتگر باشد. یکی از اهداف ما در این کتاب پیشنهاد دادن راههایی است که از ساختار فراتر برویم. سوم، برای اینکه از ساختار فراتر برویم باید همه چیز را درباره آن بدانیم. اگر همه جزئیات این فرایند را ندانیم غنی توانیم آن را بازسازی کنیم. در نتیجه، نخست قواعد فیلمتایه نویسی را تشرییح ممکن است تا بتوانیم بعداً آنها را زیر با یگذاریم.

اینک که به گرایش‌های ما آگاهی یافتد، می‌توانیم روش ساده‌مان را بیان کنیم. نخست قواعد را شرح می‌دهیم و سپس راه‌هایی پیشنهاد می‌کنیم که آن قواعد را کتاب بگذاریم. برای تبیین نکات مورد نظر، از غونه‌ها و مثال‌های واقعی یا هرچه خواهیم گرفت. هدف نهایی ما این است که بتوانید فیلم‌نامه‌های بهتری بنویسید. به این منظور، از شکل (فرم)، محتوا، شخصیت، و زبان سخن خواهیم گفت و در عین حال واداران خواهیم کرد به جستجوی راهبردهای متفاوتی برآید تا بتوانید در حد امکان بهترین فیلم‌نامه ممکن را بنویسید. در فیلم وحشی درون (جاناتان دمی، ۱۹۸۴؛ فیلم‌نامه‌نویس: مکس فرای) ملانی گریفیث به جف دانیلز می‌گوید «می‌شناستم، ته دلت یاغی هستی». همان‌طور که ملانی گریفیث از ویژگی‌های ظاهری دانیلز فراتر می‌رود و کنه وجود او را می‌بیند، ما هم می‌خواهیم که شما از ساختار فیلم‌نامه‌نویسی، یعنی از شکل و قالب، فراتر بروید. در این صورت، از آنچه خواهید یافت به شکفت در خواهد آمد.

مکتب‌های فکری متفاوق وجود دارند که می‌گویند چگونه می‌توان فیلمنامه‌نویس بهتری شد. برخی از اینها بر قواعد تکیه دارند و برخی دیگر بر تجربه و رزی تأکید می‌کنند. برخی بر شخصیت متمرک‌زند و برخی بر پیرنگ. به دلیل همین فراوانی دیدگاه‌های گوناگون، بهتر است در همین آغاز گرایش خودمان را مشخص کنیم.

نخست، به نظر ما فیلمنامه‌نویس داستان‌گویی است که برای فیلم می‌نویسد. البته برخی از فیلمنامه‌نویسان برای چند رسانه می‌نویسنند. استیون تسبیح (رهایی) و هرولد پینتر (حکایت مستخدمه) هم برای تئاتر می‌نویسنند و هم برای فیلم. دیوید هیر (لباس بی‌بقه)، ویلیام گلدمان (بوچ کاسیدی و ساندنس کید)، و جان سیلز (عزیزم، قویی)، همچون بسیاری از افراد در تاریخ کوتاه فیلمنامه‌نویسی، هم رمان می‌نویسنند و هم فیلمنامه. منظور مان این است که شاید فیلمنامه‌نویس به یک سنت داستان‌گویی گستردۀ تعلق دارید. اگر از دیگر قالب‌های نویسنده‌گی بگسلیید یا فیلمنامه‌نویسی را قالب هنری متایزی بدانید، درواقع خودتان را از جامعه فرهنگی گستردۀ‌ای جدا کرده‌اید که هرچند انواع گوناگون نویسنده‌گی در آن یافت می‌شود ولی همانندی‌های آنها بیش از چیزی است که تصور می‌کنید.

دوم، استحکام فیلمنامه فقط به ساختار محدود نمی‌شود. فیلمنامه‌نویس را اغلب صنعتگر – شیوه به نقشه‌کش در معاری – می‌دانند. البته هستند فیلمنامه‌نویسان، که به